

صحيفة الحسين عليه السلام

[131] حالیکه سوار بر اسب بود رو بسوی لشکر امام کرد، تا اینکه کنار خندق ایستاد و فریاد می زد، اَي حسین تو را بشارت باد که قبل از آتش دوزخ آتش این دنیا تو را می سوزاند. امام فرمود: اَي دشمن خدا من بسوی پروردگار مهربان و میانجی مقبول می روم، و او جدم پیامبر است، و فرمود: خداوندا ! اُو در آتش داخل ساز، و قبل از آنکه به جهان دیگر رود سوزش آنرا به اُو بچشان. راوي گوید: ناگهان اسبش رم نمود و او را در آتش انداخت، و در آن سوخت. راوي گوید: و امام بر روی زمین به حالت سجده افتاد و آنگاه سر برداشت و فرمود: چه دعائي که با این سرعت اجابت شد. راوي گوید: و سپس صدایش را بلند کرد و فرمود: خداوندا ! ما خاندان پیامبرت و فلازندان و خویشاوندان اُو هستیم، پس هر که به ما ظلم نمود و حق ما را غصب کرد را در هم شکن، بدرستی که تو شنونده و اجابت کننده اَي. (67) دعای آن حضرت برای بی سفیان روایت شده: بعد از آنکه با عثمان بیعت شد، اَبو سفیان دست آن
